

خبر کوتاه

پیروزی دل انگیز پرسپولیس و آدرس‌های غلط

معلوم نیست کاشف این تحلیل‌ها کیست اما سالهاست که تکرارش می‌کنند.با هر پیروزی مقابل تیمی منمool در غرب آسیا، می‌گویند: دلارها بی‌اثر شدند.

این حرف‌ها تازه نیست و تازگی هم ندارد. روزنامه‌نگاران و گزارشگران و کارشناسان پرشماری در فوتبال ایران از این دست تحلیل‌ها ارائه می‌دهند. مثالش همین دیدب؛ در گزارش بازی السد – پرسپولیس که از ایلکیکشن آنتن پخش می‌شد و گزارشگر بعد از پیروزی پرسپولیس درباره السد گفت «دلارها بی‌اثر شدند» به خیال و کنایه‌ای به تمول تیم قطری و در توجیه این‌همه باسامانی اقتصادی تیم‌های ایرانی.

پیروزی پرسپولیس در یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان آسیا مقابل السد دل‌انگیز و جذاب بود. به خصوص وقتی ۳ تیم دیگر ایرانی حذف شده بودند و ماندن قرمزها در مسابقات میدها را همچنان برای تماشای لیگ قهرمانان آسیا برای ما زنده نگه می‌دارد. اما این پیروزی به بی‌اثر شدن دلارهایی که فوتبال را در چند کشور عربی به ماجراجی بزرگ تبدیل کرده و حتی جام جهانی ۲۰۲۲ را به قطر برده است، ارتباطی ندارد.

قطر با برگزاری متمرکز لیگ قهرمانان آسیا در ورزشگاه‌هایی فوق‌العاده و در شرایط بحرانی همه‌گیری کرونا که در کمتر کشوری در آسیا برگزاری این مسابقات ممکن بود، با مدیریت ورزشی و مدیریت در بحران را به رخ کشیده است. مسئله پیشرفت ورزش فقط بردن و باختن نیست، مسئله جریانی است که به ورزش ابعادی دیگر می‌دهد و توانایی مدیریت اقتصادی و زیرساخت‌ها را تصویر می‌کند و پیش چشم‌ها می‌گذارد.

فراموش نکنیم که میزبانی رقابت‌های متمرکز آسیایی در ورزش ایران با توجه به کیفیت زیرساخت‌ها و مسایل دیگری که در ورزش قابل حل نیست، چیزی شبیه غیرممکن شده است اما گزارشگر آنتن مثل بسیاری دیگر از کسانی که عاشق حرف‌های اغراق‌آمیز، غلط، غرورآمیز و جعلی هستند، دوست دارد از دل یک پیروزی حرف‌ها و ادعاهای بی‌راه بسازد. این آدرس‌ها اما ما را به جا و جایگاه تازه‌ای نمی‌رساند. فوتبال ایران باید واقعیت‌هایش را بشناسد، تفاوت سطح کیفیت مدیریت را با دیگر کشورهای در حال پیشرفت آسیایی جبران کند و برای این کار چاره‌ای ندارد جز اینکه از تحلیل‌های هیجانی و بیهوده دست بردارد و واقع‌بینانه و سخت‌گیرانه کار کند.

قهرمانی یک تیم ایرانی در لیگ قهرمانان آسیا به یک آرزو تبدیل شده است. همین پرسپولیس بعد از آنکه فینال لیگ قهرمانان آسیا را تجربه کرد، به جای آنکه برای اهداف بزرگ‌تری نقشه بکشد، دو مربی خارجی را بی در پی از دست داد و انبوهی از بدهی به بدهی‌های چندصد میلیاردی‌اش اضافه شد. این روند موفق‌ترین تیم فوتبال ایران در یک دهه اخیر است که نشان می‌دهد دچار چه سومدیریت عمیقی در فوتبال هستیم و موفق‌ترین تیم ایرانی بدهکارترین تیم ایرانی است.

به این بلبشو همچنان توانی برای موفقیت باقی مانده است اما نمی‌توانیم جریان پیشرفت فوتبال در آسیا را نادیده بگیریم و به عبارت‌هایی مثل دلارها بی‌اثر شدند، موقعیتی اغراق‌آمیز برای خود بسازیم و رشد حیرت‌آور دیگران به خصوص در زیرساخت‌ها را نادیده بگیریم.

ما در موقعیتی هستیم که با این حرف‌ها و این جنس تحلیل وقایع، جز تصویری غیرواقعی درباره خودمان چیزی نمی‌سازیم. برای ساختن باید آجر روی آجر گذاشت، نه حرف روی حرف.

تکرار تجارب مدیران تبلیغاتی به چه قیمتی؟



سعادت‌مند که خوب می‌داند، مدیران پیش از او نیز به جهت عملکرد خودمختارگونه چالش‌های بسیار جدی برای باشگاه و تیم ایجاد و خسارت‌های فراوانی وارد کرده‌اند، چگونه به خود می‌قبولاند که چنین شیوه‌ای می‌تواند تکرار شود و بدتر از آن اینکه موفقیت آمیز نیز باشد و او را به مقصودش برساند!

مدیری که شعارش ساختن تیم کپکشان‌ی است، آیا حق دارد و آیا می‌تواند به تنهایی و با پشت کردن به سیاست‌های کلی مجمع باشگاه که اصلی‌ترین حامی مالی و معنوی است، کار شاقی انجام دهد و اهداف رویاگونه‌اش را محقق کند؟! آیا دل خوش کردن به یک عضو پولدار هیئت مدیره و یکی دو نفر کمک کننده مالی، پاسخگوی نیازهای بی‌شمار باشگاه هست؟

کسی که پیش از این در جایگاهی دیگر برای کوچک‌ترین اقدام تشکیلاتی فیلترهایی نصب کرده و همه افراد تحت مدیریت و اقدامات در دست اجرا را از آنها عبور می‌داد، آیا حق دارد بدون فیلتر و بدون هماهنگی‌های لازم با مقامات مسئول، اقدامات خودسرانه انجام دهد و وزارت ورزش، فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ را تهدید کند و هواداران احساسی و زودپاور را علیه آنها بشواند؟

آیا کلیات می‌کند که در مدت زمان کوتاهی با توسل به ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای به خصوص اینیستگرام فرافکنی را تا سر حد مقابله با وزیر هدایت و از آن به عنوان سلاحی جهت ترغیب فالوورهایش و افزودن به تعداد آنها استفاده کند؟ اصلا چنین شیوه‌ای در شأن مدیر باشگاهی به بزرگی استقلال است؟ احمد سعادت‌مند را به ظاهر آدم متواضع

باز هم رسیدیم به نقطه سرخط و صفری که همیشه مضربش صفر است!ا! همیشه باید این تلنگر آویژه گوشمان باشد که در نظام افسارگسیخته مدیریتی، سهم خواهی یکی از هزاران فعلی است که در دستور العمل‌های دولتی و بخشنامه‌های توهم برانگیز آن اعمال و آنچه مقرر می‌شود تا چرخه معیوب و گیرکرده در خلاء بحران‌ها را به طور کلی ساقط کند؛ گماردن افراد نامتخصص و کارنابلد در مسئولیت‌های حساس و کلیدی و بالعکس سپردن کارهای سیخف و ناچیز به انسان‌های ماهر و باکرامت است.

از فیدل کاسترو پرسیدند کدام بحران و مشکل، تو را در طول دوره ریاست جمهوری بیشتر اذیت کرده، گفت: من در طول دوران جنگ‌های چریکی هم‌رمزی داشتم که بیشتر از چشم‌هایم به او اعتماد می‌کردم. وقتی رئیس جمهور شدم، انتخاب هیئت دولت و کابینه را به او سپردم. بعد از چند سال متوجه شدم که دولت در حال اضمحلال و ورشکستگی است. عده‌ای متخصص را مامور تحقیق کردم و پس از مدتی نتیجه این بود؛ هم‌رمز من که معلوم شد، مامور سازمان سیا بوده، افراد متخصص و بزرگ را در کارهای کوچک و افراد ضعیف و ناوارد و غیر متخصص را در پست‌های کلیدی گمارده بود و بدین طریق و بدون اینکه اقدامی صورت گیرد، به خودی خود دولت متزلزل و ساقط می‌شد و

با توجه به تنش‌های فزاینده چند ماه اخیر در استقلال و شخصیتی که از مدیران آمده و رفته در این مدت سراغ داریم، به طور قطع دلیل برای نگرانی‌های بوجود آمده زیاد است اما چند تفاوت کلیدی و آشکار بین همین مدیران و رفتارهای ضد و نقیض آنان وجود داشته که بر شدت نگرانی‌ها افزوده است. به طور خاص در رفتارها و عملکرد احمد سعادت‌مند که ابتدا در برخورد با فرهاد مجیدی و استفاده از نام استراماچونی – که جذابیت زیادی هم برای خود او و هم دوستانش داشت ولی به بهای نابودی استقلال یأس و ناامیدی در جامعه و ناراحتی و سردرگمی هواداران تمام شد – مشاهده می‌شود.

مدیری که خود را تابع قانون می‌داند و در بالاترین سطح مدیریت دولتی به عنوان معاون وزیر فعالیت داشته، چگونه فراموش می‌کند که قانونی مثل قانون منع به کارگیری مربیان خارجی همان شرایط ایجاد شده‌ای است که خودش قبل از اینکه وارد سیستم باشگاه شود به روش‌های مختلف صادر و نهاده‌ها و باشگاه‌ها و ارگان‌های ذیربط را ملزم به رعایت آنها کرده بود!

با پایان لیگ قهرمانان آسیا برای استقلال، اکنون هواداران استقلال منتظرند تا در فصل آینده به دو ابهام بزرگ درخصوص دو پست مهم در این تیم پاسخ داده شود. اول اینکه سرانجام چه کسی سرمربی استقلال خواهد شد و دوم اینکه سرنوشت دروازه این تیم به کجا خواهد انجامید و چه کسی سنگربان شماره یک این تیم خواهد بود.

با توجه به عملکرد سیدحسین حسینی در فصل گذشته، به نظر می آید که باید باور کرد رشید مظاهری گلر شماره یک فصل آینده استقلال خواهد بود. دروازه بانی که با جنجال فراوان از تبریز راهی تهران شد و پرونده شکایت تراکتورسازی از او هنوز در جریان است و تی تی ها معتقدند که فسخ قرارداد او با تراکتور، غیر قانونی است. جدا از اینکه سرانجام چه کسی برنده این دعوی حقوقی خواهد بود، اما در این مدت مظاهری بی سر و صدا و بی توجه به حاشیه ها مشغول انجام تمریناتش بود و حتی در این مدت به صورت کامل از تبریز به تهران نقل مکان کرده و تمام وسایلش را نیز به پایتخت آورده تا فصل بعد را با لباس استقلال درون دروازه آبی پوشان قرار بگیرد. مظاهری که این روزها در غیاب هم تیمی هایش در حال انجام تمرینات بدنسازی است، به شدت منتظر بازگشت تیم از قطر و شروع تمرینات برای فصل جدید است و با انگیزه دوجندان برای حضور در قفس توری استقلال، سعی دارد تا خودش را به اسکوپچج سرمربی تیم ملی

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

نوبت دوم	شرح مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت درمناقصه (ریال)
۲-۹۹/۲۸ (تجدید مناقصه)	اصلاح وپینه‌ی واحداث شبکه توزیع برق روستای ماهیدشت وبخش فیروز آباد (از محل اعتبارات عوارض برق روستایی داخلی)	۸/۵۳۷/۰۳۳۷۴۴	۶۵۲/۰۰۰/۰۰۰

توضیحات :

•نوع تضمین شرکت درمناقصه (ضمانت نامه بانکی ویا واریز وجه نقد)

•مهلت ومکان تسلیم پیشنهاد تا ساعت ۱۳:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۳ ،دیرخانه شرکت

•زمان ومکان باز گشایی پاکات ساعت ۱۴:۰۰روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹/۷/۲۳، اتاق کنفرانس شرکت

•به پیشنهادهای فاقد سپرده ، سپرده مخدوش ، سپردهای کمتر ازمیزان مقرر چک شخصی ونظایر آن مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

•به پیشنهادفاقد امضاء،مشروط ،مخدوش وپیشنهاداتی که بعد ازانقضامدت مقرر دراسناد مناقصه واصل می شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد .

•سایر اطلاعات وجزئیات مربوطه دراسناد مناقصه مندرج است جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۸۲۴۵۹۹۰-۰۸۳ تماس حاصل فرمایید .	روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کرمانشاه
--	---

روزنامهصبح ایران

تکرار تجارب مدیران تبلیغاتی به چه قیمتی؟

برنگردد اما اصرار سعادت‌مند به بازگرداندن او معلوم نشد بر چه پایه و اساسی بود که در نهایت به نیامدنش منجر شد و تمام معادلات را نیز برهم زد. ۴- در پیحویه مسابقات نهایی جام حذفی، ساده لوحانه‌ترین اقدامش را انجام داد و با سفر بدون هماهنگی و بی‌مجاز به ایتالیا تلاش کرد کاری ناممکن انجام دهد که جز شکست و ناامیدی حاصلی نداشت؛ نه تخفیفی از استرا گرفته و نه قراردادی با او منعقد شد.

۵- به جای راضی کردن شفر و جلب رضایت او در زمینه شکایتش از استقلال، تمرکزش را فقط روی استراماچونی قرار داد تا حکم فیفا برای بسته شدن پنجره نقل و انتقالات از راه برسد.

۶- به جای همت و اقدام به تمدید و عقد قرارداد با بازیکنان و تدارک برای حضوری مقتدر در لیگ قهرمانان آسیا، هواداران را تحریک کرد و بدین ترتیب جریان‌هایی به راه افتاد.

۷- به جای عقد قرارداد با بازیکنان در ساختمان مرکزی باشگاه و اطلاع رسانی درست و پاسخگو و منطقی تصور می‌کردیم اما در چند هفته اخیر و پس از گرفتن سکان مدیریتی باشگاه استقلال و نصب‌های بی‌حساب و کتاب و نامربوط و فرصت سوزی به التهاب موجود افزودند و بدون دستاوردی با دست خالی به قطر رفتند.

۸- بدون مجوز بانک مرکزی، ۱۰۰ هزار دلار با خودش به قطر برد اما در فرودگاه مهرآباد به همراه معاونش مورد بازجویی قرار گرفتند. کار به جایی رسید که سه میلیارد تومان برای کاظم قیم معاون استقلال وثیقه در نظر گرفته شد.

۹- نتیجه‌ای هم که در قطر به دست آمد موید برآیندی بود که از سیستم ناکارآمدی مدیریت سرچشمه می‌گرفت و دلیل دیگری ندارد.

با این اوصاف به نظر می‌رسد عمر مدیریتی سعادت‌مند قبل از آغاز فصل جدید به پایان برسد. شنیده شد که در ساختمان ستول برای جانشینی وی با سه گزینه صحبت‌هایی شده و احتمال تغییر در این پست بسیار نزدیک است اما یک توصیه به وزیر ورزش در این زمینه می‌شود. اگر قرار است تغییری در این پست صورت گیرد، حداقل برای یک بار هم که شده، به حرف مردم گوش دهید و احترام بگذارید و فردی را انتخاب کنید که خودش اهل فوتبال، شناخته شده، با دل و جرات و میرا از سیستم حاکمیتی دولتی باشد و پوست و گوشت و استخوانش از جنس هوادار و فوتبال باشد. شاید در این صورت اتهامات وارده بر رنگی بودن وزیر و خطاب قرار گرفتنش به عنوان بابامسعود رنگ ببازد.

۱- آوردن فرهاد مجیدی جوان و کم‌تجربه ولی با طرفداران زیاد که مخالفت با او بر نمی‌تافتند و در هر حالتی برایش سرودست می‌شکستند.

۲- از دست دادن فرهاد مجیدی در شرایطی که انگیزه لازم را پیدا کرده بود و آرام آرام خودش را در حد سرمربی جوان و قابل به جامعه مربیگری تحمیل می‌کرد.

۳- توسل به مهره سوخته‌ای به نام استراماچونی که وقتی در میانه‌های راه کار را رها کرد و رفت، تصمیمش را گرفته بود که برود و



شده تا بار دیگر شاگرد علیرضا منصوریان شود.

با پایان این فصل فوتبالی برای استقلال، حالا همگان منتظر انتخاب سرمربی بعدی آبی پوشان هستند تا بالاخره او نظر نهایی را در خصوص دروازه این تیم صادر کند و تکلیف حسینی و مظاهری با استقلال و تراکتورسازی مشخص شود.

انتقال بزرگی که حق صورت گیرد، شاهد یکی از جذاب‌ترین نقل و انتقالات فوتبال ایران در چند سال اخیر بوده ایم. انتقالی که قطعا باعث افزایش انگیزه مظهری و حسینی برای درخشش در تیم های جدیدشان خواهد شد.

اخبار

ضعف‌هایی که پشت سرکش «کاف» پنهان شده‌اند

در رقص آخر نماینده آبی کشورمان در آسیا، فلسفه هجومی و پیروزی‌طلبانه در کالبد تاکتیکی تیم جای خود را به یک احتیاطگرایی نابجا داد. استقلال بیش از پاختاکور به این‌ترس خودش باخت؛ و بدتر از آن، تکرار این اتفاق در فصل آتی هم دور از ذهن نیست، اگر چاره‌ای برای رفع و رجوع آن اندیشیده نشود. دو روز قبل، در یادداشتی نوشتم که مجید نامجومطلق می‌تواند هانسی فلیک آبی‌های پایتخت باشد. اما اشتباه می‌کردم و ۷ دوست‌داشتنی دهه ۶۰ و ۷۰ استقلال این موضوع را در عمل اثبات کرد. فلیک در باینر تنها با تصاحب غیرمنتظره نیمکت و شارژ انگیزشی بازیکنان فلیک نشده، بلکه ۸ سال دستیار بواچمی لوو در تیم‌ملی آلمان بوده و به صورت اصولی آموخته که پرس بالا، جابه‌جایی هافبک‌های پشت مهاجم، ارسال پاس‌های عمقی پشت مدافعان و سایر تاکتیک‌ها چگونه باید پیاده شوند.

با تجربه سرمربیگری در آلمونیوم هرزگان و گل‌گهر در دسته یک و آن هم در سال‌های دور، بعید است نامجومطلق چنین تجربه گرانبهایی به دست آورده باشد. به بازی استقلال-پاختاکور حقیقت‌تر نگاه می‌کنیم، مهاجم، ارسال پاس‌های عمقی پشت مدافعان و سایر تاکتیک‌ها چگونه باید پیاده شوند. با تجربه سرمربیگری در آلمونیوم هرزگان و گل‌گهر در دسته یک و آن هم در سال‌های دور، بعید است نامجومطلق چنین تجربه گرانبهایی به دست آورده باشد. به بازی استقلال-پاختاکور حقیقت‌تر نگاه می‌کنیم، مهاجم، ارسال پاس‌های عمقی پشت مدافعان و سایر تاکتیک‌ها چگونه باید پیاده شوند. با تجربه سرمربیگری در آلمونیوم هرزگان و گل‌گهر در دسته یک و آن هم در سال‌های دور، بعید است نامجومطلق چنین تجربه گرانبهایی به دست آورده باشد. به بازی استقلال-پاختاکور حقیقت‌تر نگاه می‌کنیم، مهاجم، ارسال پاس‌های عمقی پشت مدافعان و سایر تاکتیک‌ها چگونه باید پیاده شوند.

با تجربه سرمربیگری در آلمونیوم هرزگان و گل‌گهر در دسته یک و آن هم در سال‌های دور، بعید است نامجومطلق چنین تجربه گرانبهایی به دست آورده باشد. به بازی استقلال-پاختاکور حقیقت‌تر نگاه می‌کنیم، مهاجم، ارسال پاس‌های عمقی پشت مدافعان و سایر تاکتیک‌ها چگونه باید پیاده شوند.

با تجربه سرمربیگری در آلمونیوم هرزگان و گل‌گهر در دسته یک و آن هم در سال‌های دور، بعید است نامجومطلق چنین تجربه گرانبهایی به دست آورده باشد. به بازی استقلال-پاختاکور حقیقت‌تر نگاه می‌کنیم، مهاجم، ارسال پاس‌های عمقی پشت مدافعان و سایر تاکتیک‌ها چگونه باید پیاده شوند.

با تجربه سرمربیگری در آلمونیوم هرزگان و گل‌گهر در دسته یک و آن هم در سال‌های دور، بعید است نامجومطلق چنین تجربه گرانبهایی به دست آورده باشد. به بازی استقلال-پاختاکور حقیقت‌تر نگاه می‌کنیم، مهاجم، ارسال پاس‌های عمقی پشت مدافعان و سایر تاکتیک‌ها چگونه باید پیاده شوند.

با تجربه سرمربیگری در آلمونیوم هرزگان و گل‌گهر در دسته یک و آن هم در سال‌های دور، بعید است نامجومطلق چنین تجربه گرانبهایی به دست آورده باشد. به بازی استقلال-پاختاکور حقیقت‌تر نگاه می‌کنیم، مهاجم، ارسال پاس‌های عمقی پشت مدافعان و سایر تاکتیک‌ها چگونه باید پیاده شوند.

با تجربه سرمربیگری در آلمونیوم هرزگان و گل‌گهر در دسته یک و آن هم در سال‌های دور، بعید است نامجومطلق چنین تجربه گرانبهایی به دست آورده باشد. به بازی استقلال-پاختاکور حقیقت‌تر نگاه می‌کنیم، مهاجم، ارسال پاس‌های عمقی پشت مدافعان و سایر تاکتیک‌ها چگونه باید پیاده شوند.

ماجرای درگیری استقلال‌ی‌ها در فرودگاه چه بود؟

شکست استقلال مقابل پاختاکور خیلی از مسائل را در این تیم بهم ریخته است و اوضاع آبی ها حالا بسیار آشفته تر از آن است که تصورش را کنید. بدهی های ریز و درشت امان مدیریت را بریده، وضعیت کادرفنی نامشخص است، درباره بقای بازیکنان کلیدی ابهام های زیادی وجود دارد و پنجره نقل و انتقالاتی نیز همچنان بسته است. در چنین شرایطی حواشی کوچک و بزرگ زیادی به وجود می آید که صدای اعتراض هواداران را بلند می کند. آخرین نمونه این حواشی هم به درگیری عجیب در فرودگاه جاسم بن حمد دوحه میان سیدحسین حسینی و یکی از اعضای کادر پزشکی این تیم در فرودگاه برمی گردد که صورت زشتی به اتفاقات این باشگاه بزرگ داده است.

ماجرا از جایی شروع شد که صبح روز گذشته خبری درباره شکستگی دنده سیدحسین حسینی در بازی با پاختاکور در رسانه‌ها منتشر شد. متن خبر حکایت از آن داشت که حسینی با وجود درد زیاد از ناحیه دنده برای استقلال به میدان رفته است. در این شرایط اما چند ساعت بعد از انتشار اخبار درباره شکستگی دنده حسینی دکتر کاوه ستوده پزشک آبی ها به تکذیب شکستگی در دنده این دروازه بان پرداخت.

کادر پزشکی استقلال اعتقاد داشتند که اگر دنده حسینی دچار شکستگی بود، او حتی توان راه رفتن هم نداشته و دردی که او احساس می کرده ربطی به شکستگی نداشته است. از طرفی آنها مدعی بودند اگر حسینی شکستگی دنده داشت هرگز اجازه بازی به او نمی‌دادند. به همین خاطر هم دکتر ستوده پزشک باتجربه استقلال‌ی‌ها به تکذیب شکستگی دنده حسینی پرداخت. این مصاحبه اما به مذاق دروازه بان شماره یک آبی ها که از قضا مقابل پاختاکور بازویند کاپیتانی را هم بر دست بسته بود خوش نیامد. حسینی که در قطر هیچ صحبتی با کادرپزشکی انجام نداده بود، هنگام رسیدن اعضای استقلال به فرودگاه دوحه به سمت دکتر ستوده رفت و ناراحتی اش بابت مصاحبه او را بیان کرد. در ادامه سایر اعضای کادرپزشکی استقلال به ماجرا وارد شدند و صحبت های آنها به جر و بحث کشید تا جایی که همه اعضای تیم تحت تاثیر این درگیری لفظی قرار گرفتند. در این بین مهریزی، ماسازور استقلال با حسینی درگیری پیدا کرد و در نهایت کار به جایی رسید که پلیس فرودگاه وارد شد و به این فراقه خاتمه داد.

به نظر می‌رسد حواشی استقلال به اوج خود رسیده و باید دید مدیران باشگاه چه تدبیری برای خروج از بحران کنونی دارند. هیات مدیره باشگاه باید هرچه سریع تر تصمیمات جدی درباره سرمربی و بدهی ها و بازیکنان و سایر مسائل بگیرد تا استقلال با شرایط بهتری فصل آینده لیگ برتر را آغاز کند.